

آفریقای مهاجر

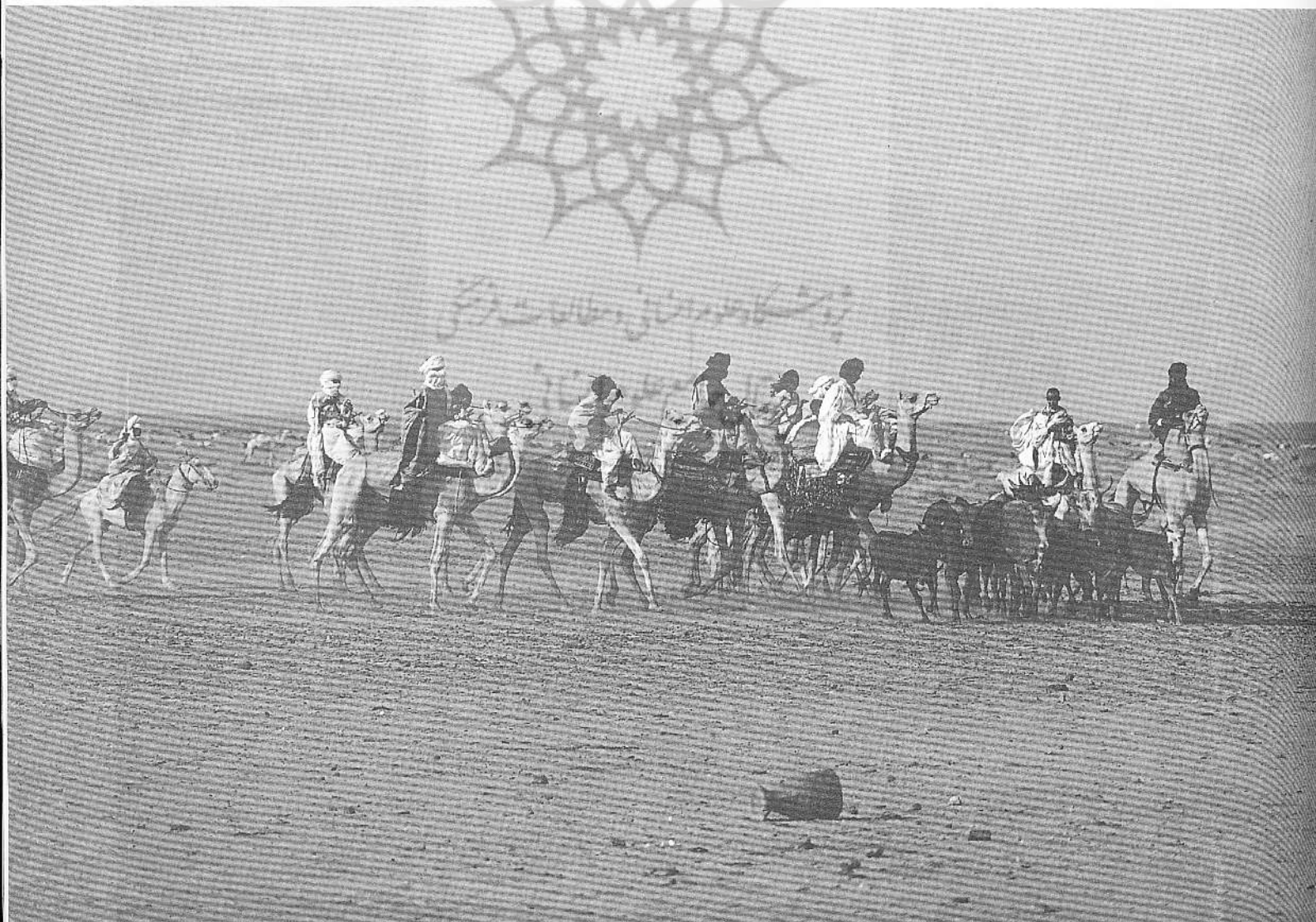
نوشته آدرانتی آده پوجو

امروز آفریقاییها بیش از همیشه در حرکتند

بیشتر جنبه خانوادگی دارد تا جنبه فردی و مستقل. مهاجران از طریق دیدارهای گهگاهی و نیز ارسال وجه برای خویشانی که در موطن اصلی آنها به جای مانده اند نیز می‌کوشند پیوندهایشان را با زادگاه خود حفظ کنند.

در بیشتر مناطق آفریقا ساختار اشتغال به گونه‌ای است که در کشاورزی، صنعت، تجارت و حمل و نقل بیشتر به مردان نیاز دارند. در نتیجه مردان دست کم در ابتدا به تنهایی مهاجرت می‌کنند و همسران و خانواده‌هایشان را به جای می‌گذارند. چادرنشینان طارق در حال حرکت در نیجر

تصمیم‌گیری مربوط به مقصد مهاجرت و زمان آن متأثر از تجربیات و اطلاعات دریافت شده از دیگر افراد خانواده که پیشتر مهاجرت کرده اند نیز هست. مهاجران آفریقایی برای تسهیل مهاجرت و فرایند استقرار مجدد از شبکه خویشاوندان و دوستان خود در شهر بهره‌مند می‌شوند. نظام رفاهی خانواده گسترده پشتیبان مهاجران از راه رسیده است و پناهگاهی است که آنان را از تضییقات و فشارهای محیط شهری در امان می‌دارد. در واقع، در آفریقا تصمیم‌گیری برای مهاجرت معمولاً



این باعث شده که تصور نقشهای جنسی شکل بگیرد و بر مبنای این تصورات زن فقط با وظیفه خانه‌داری و مادری و ساختار اقتصاد خانگی پیوند داشته باشد.

درباره دخالت زنان در روند مهاجرت، به علت برتریهای بی‌شمار مردان در انواع مهاجرت و «ناآشکار بودن» زنانی که در مقام همسر (در مهاجرت‌های خانوادگی) فقط مهاجران مرد را همراهی می‌کنند یا (در مهاجرت‌های ازدواجی) به آنان می‌پیوندند، اطلاعات اندکی وجود دارد. ولی مطالعات اخیر نشان داده است که مهاجرت خودمختارانه زنان نیز افزایش یافته است. این نوع مهاجرت در جهت کسب استقلال اقتصادی از راه اشتغال یا داشتن منبع درآمدی برای خود صورت می‌گیرد.

تمایل به مهاجرت یا پیشرفت تحصیلی رابطه نزدیک دارد. به طور کلی مهاجران از جمعیتی که در زادگاه می‌مانند جوانتر و تحصیلکرده‌ترند. این موضوع تا حدی بازتابگر جوان بودن هرم سنی جمعیت و دسترسی بیشتر نسل جوان به آموزش و پرورش است. مهاجرت به شهرها، که اغلب نهادهای تجاری مهم، امکانات آموزشی و بخش غیر رسمی فعالیتها در آن تمرکز یافته است، خود پیوند نزدیک با ادامه تحصیلات رسمی و غیر رسمی در این شهرها دارد. از آنجایی که اغلب مشاغل پردرآمد در شهرها متمرکز شده است، جوانان روستایی که سرمایه‌گزارانی را صرف تحصیل می‌کنند ناچارند به منظور جبران هزینه تحصیل خود برای مهاجرت نیز سرمایه‌گذاری کنند.

در کشورهایی که شهرهای آنها به مرحله نسبتاً پیشرفته‌ای از شهرنشینی و توسعه اقتصادی رسیده است، زنان به موازات ارتقای پایگاه تحصیلی خود قسمت اعظم مهاجران به بخش شهری را تشکیل می‌دهند. گسترش بخش خدمات امکان اشتغال زنان را افزایش می‌دهد و این به همراه شرکت فزاینده آنان در کارهای پردرآمد به معنای این است که نسبت جنسی مهاجران به

نفع زنان می‌چربد، در حالی که در مراحل اولیه رشد مهاجرت به شهرها تعداد مردان می‌چربد. اما تعداد کشورهای آفریقایی که به این مرحله رسیده‌اند انگشت‌شمار است. آفریقای غربی که در آن زنان مدتها در بازرگانی توزیع نقش مسلط داشتند استثناست. در این مرحله مهاجرت شهر به شهر غلبه دارد و جانشین مهاجرت روستا به شهر شده است که ویژگی مراحل آغازین شهرنشینی است.

اکنون بسیاری از مهاجران - صنعتگران، کارگران، کارگران نیمه‌ماهر و کارکنان بخش خدمات - ترجیح می‌دهند که نخست به یکی از شهرهای نزدیک و متوسط مهاجرت کنند که در آنجا احتمالاً وابستگی دارند و مشابهت‌های فرهنگی، سازگاری با زندگی شهری را برایشان آسانتر می‌کند. برای بسیاری از مهاجران، این شهرهای متوسط اندازه مقصد نهایی است؛ در حالی که برای مهاجران به اصطلاح «مرحله‌ای» این شهرها فقط ایستگاهی است برای رفتن به پایتخت.

لازم است از دسته خاص دیگری از درون کوچان - یعنی چادرنشینان - نیز یاد کنیم. اینها شبانانی هستند که اکثرشان بیسوادند، خانه و وسایل زندگی به دوش دارند، در عرصه مناطق وسیع کوچ می‌کنند و چندان توجهی به مرزهای ملی ندارند. چادرنشینان را بیشتر در چاد، اتیوپی، مالی، موریتانی، نیجریه، کنیا و سومالی می‌توان یافت.

تأثیر در شهرها

طبق برآوردها نیم بیشتر بالا بودن رشد سالانه شهرنشینی در آفریقا معلول مهاجرت است. ولی یتیانهای اقتصادی شهرها برای تأمین مشاغل، مسکن مناسب، آب تصفیه شده، حمل و نقل بی‌درد سر و محیط پاکیزه و سالم برای جمعیت انبوه آنها کافی

در زامبیا به پسر مدرسه‌ایها آموزش کشاورزی داده می‌شود.





سن مهاجرت به بخش شهری در جوامع آفریقایی که اغلب از وسایل جلوگیری از بارداری استفاده نمی‌کنند باعث می‌شود که ترکیب سنی شهری در معرض باروری بالا باشد. ترکیب افزایش طبیعی بالای جمعیت با افزایش مهاجرت بدین معنی است که جمعیت شهری آفریقا بیشتر شامل جوانان بالغی است که در مرحله تشکیل خانواده‌اند. در نتیجه چنین می‌نماید که شهرهای بزرگ آفریقا امروز با مسائل رشد سریع دست به گریبانند: سنگینی حمل و نقل، قطع برق مداوم، کمبود آب، زاغه‌نشینی، پیدایش زورآبادها و مفت‌آبادهای کثیف که در آنها انجام اقدامات بهداشتی بی‌حاصل است. ساخت سنی جمعیت شهرنشین به گونه‌ای است که این وضعیت احتمالاً دهه‌های متوالی ادامه خواهد یافت.

طبیعی است که خود مهاجران، مبدأ حرکت و مقصد نهایشان آماج سیاستهای جمعیتی برای تعدیل این مشکلات باشند. در بسیاری از کشورهای آفریقایی دو نوع سیاست گسترده به کار گرفته شده است: راهبردهای شهرمدار و راهبردهای روستامدار. پنج راهبرد شهرمدار به کار گرفته شده‌اند: نظارت‌های مستقیم یا برنامه‌های بستن دروازه‌های شهرها برای جلوگیری از مهاجرت داخلی (جمهوری آفریقای جنوبی)؛ اخراج تنبیهی از شهرها یا بازگرداندن اجباری به مناطق روستایی (موزامبیک)؛ شهرنشینی غیرمتمرکز (نیجریه)؛ تمرکززدایی از طریق ارتقای رشد و توسعه منطقه‌ای شهرهای متوسط اندازه (زامبیا، الجزایر)؛ ایجاد پایتخت‌های تازه (نیجریه، تانزانیا).

برنامه‌های نوسازی اندکی نیز که برای گسترش بنیانهای اقتصادی و اجتماعی شهرها طراحی شده بوده است به اجرا درآمده که آنها را با سیل مهاجران همساز کند. مانند برنامه‌های ایجاد شغل و اصلاح روستا ساخت اجتماعی. کشورهایی که میزان بیکاری جوانان ترک تحصیل کرده در شهرهای آنان بالا بوده کوشیده‌اند برنامه‌هایی انتخابی را برای جذب مهاجران بیکار جوان به اجرا در آورند، برنامه‌هایی مانند تأسیس اردوگاههای ویژه جوانان (سومالی، زامبیا) و طرحهای اسکان در مزارع (غنا، نیجریه).

کشورهای بسیاری برنامه‌هایی را به آزمایش در آورده‌اند که هدف آنها بالا بردن درآمد کشاورزان، بهبود امکانات اشتغال در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت در منابع مهاجر فرست است. تلاشهایی که به منظور جلوگیری از مهاجرت یا تغییر مسیر مهاجران از طریق ایجاد قطبهای رشد منطقه‌ای یا تغییر پایتخت یا توسعه شهرهای کوچک انجام گرفته نتایج مطلوبی نداشته است. کشورهایی که برنامه‌های توسعه روستایی را از طریق تقویت کشاورزی در مناطق روستایی به اجرا در آورده‌اند (تانزانیا، غنا، ساحل عاج)، با تدارک روستا ساختهای اجتماعی را با امکانات اشتغال در روستا ترکیب کرده‌اند، موفق شده‌اند از مهاجرت بخش چشمگیری از مهاجران بالقوه از مناطق روستایی جلوگیری کنند.

این مسئله که چه کسی تصمیم می‌گیرد و چه کسی اقدام می‌کند و مقصد کجاست به مسائل اساسی حقوق بشر مربوط می‌شود. به ویژه در مورد گروهبندی مجدد مردم به طور اجباری در دهکده‌های فشرده یا مهاجرت اجباری به مناطقی که دولت مشخص کرده است. در چنین مواردی به نیازهای خاص مردمی که دخیلند توجه کافی نمی‌شود.

به کارگیری سیاستهای موفق

موفقیت سیاستهای مهاجرتی داخلی تا حد زیادی به شماری از عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وابسته است. عواملی مانند خود نظام سیاسی، میزان متعهد بودن حکومت، نفوذ انگاره‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارایی دولت. در آفریقا نیز، مانند تمام مناطق در حال توسعه، این سیاستها زمانی سیر موفقیت‌آمیز خواهد داشت که از اولویت ملی بالا، واگذاری چشمگیر منابع و همکاری مؤثر در زمینه سطوح مختلف دولت بهره‌مند باشد و این سیاستها به صورت متمرکز در سطح ملی اجرا شود. به طور کلی عملکرد ضعیف سیاستهای مهاجرت داخلی ممکن است معلول نظارت محدود دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در اقتصاد بازار آزاد، هزینه‌های بالای طرحها و سیاستهای متناقض و ناهماهنگ نیز باشد.

برنامه‌ریزان در آفریقا به این نتیجه رسیده‌اند که علت‌های اناسی مهاجرت در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نهفته است و گرچه به نظر می‌رسد که نمی‌توان روند مهاجرت به شهر را متوقف کرد، ولی نباید اجازه داد که بدون رهنمود سیاسی درست ادامه یابد. از این رو تقویت یا توسعه شهرهای متوسط و توسعه روستایی را می‌توان از راهبردهای مشابهی به شمار آورد که برای کند کردن رشد شهرهای بزرگ به کار می‌رود.

از سوی دیگر در روستا نیز باید تلاشهای مستمری برای تسریع رشد و گسترش بخش غیر رسمی فعالیتهای روستایی انجام گیرد و در هر جا که امکان داشته باشد فعالیت‌های صنعتی و صنایع دستی روستایی بنیان نهاده شود یا فعالانه حمایت شود تا اقتصاد روستایی تنوع پیدا کند، امکانات اضافی اشتغال به وجود آید و درآمد و وضعیت زندگی جماعات روستایی ارتقا یابد.

گینهای گامیابا رهسپار سفر
به کوناگری.

آدرانتی آده‌بوجو

از اقتصاددانان و جمعیت‌شناسان
نیجریه‌ای است که تحقیقات تخصصی
وی در زمینه مهاجرت، سیاست جمعیتی و
رابطه‌های میان جمعیت و توسعه است.
وی عضو سابق دانشگاه لاگوس و
همهانگ‌کننده آموزشی فعلی برنامه
«صندوق جمعیت سازمان ملل» در مورد
«جمعیت، منابع انسانی و توسعه» در
مؤسسه آفریقایی توسعه اقتصادی در
داکار (سنگال) است.